



تحول نقشی زن روستایی ایران در فعالیتهای زراعی

ناهید مطیع

◀ نقش زن در زراعت گندم

تا قبل از اصلاحات ارضی در اکثر نقاط روستایی ایران کشت گندم غالب بود. کشاورزی در این دوره در غالب مناطق، معیشتی بود و تولید به منظور تأمین نیازهای مصرفی خانوار انجام می‌گرفت. شیوه بهره‌برداری از اراضی، به صورت جمعی، گروهی و در قالب واحدهای کار زراعی دسته جمعی (بنه - صحرا - حراثه و...) صورت می‌گرفت و به جز رییس خانوار، همسر، فرزندان، داماد، عروس، پدر و مادر و سایر اقوام نیز نیروی کار «بنه» محسوب می‌شدند و در مواقع لازم در کارهای تولیدی مربوط به واحد تولیدی کمک می‌کردند.

در این دوره کلیه فعالیتهای مربوط به کاشت و داشت و برداشت محصول با

و تولید انواع صنایع دستی فعال بوده‌اند. از طرف دیگر باید توجه داشت همگام با تحولات ناشی از اصلاحات ارضی یعنی استقلال خانواده دهقانی و نفوذ کشت تجاری در روستاهای ایران، به تدریج نقش تولیدی خانواده روستایی کاهش یافته و ساخت و بُد آن نیز متحول شده است. در این روند از نقش اقتصادی زنان نیز کاسته شده و فعالیتهای ایشان به سمت محیط خانه و خانه‌داری معطوف شده است.

در این بررسی هدف ما مطالعه چگونگی تحول نقش اقتصادی زن در سه محصول زراعی یعنی گندم، پنبه و برنج است. برای این منظور توجه خود را به مقایسه نقش زنان روستایی در اقتصاد مبتنی بر کشت معیشتی^۱ و کشت تجاری^۲ طی دوره تاریخی قبل و بعد از اصلاحات ارضی معطوف کرده‌ایم. █

زنان روستایی ایران کلاً ۲۳/۳ درصد از جمعیت و ۴۹ درصد از کل جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند اما متأسفانه تحقیق در مورد نقش و موقعیت اجتماعی زنان روستایی ایران به اندازه کافی و فراگیر انجام نگرفته است. البته زنان روستایی معمولاً در فعالیتهایی که خارج از چهارچوب کارهای تولیدی و اداری خانواده باشد و اجتماع بزرگتری را تشکیل دهد، شرکتی ندارند. یعنی فعالیتهای سیاسی و اجتماعی روستا معمولاً در انحصار مردان است ولی زنان روستایی از دیرباز علاوه بر رسیدگی به امور خانه و تربیت و نگهداری فرزندان، نقش اقتصادی بارز و برجسته‌ای داشته‌اند. زنان در انواع فعالیتهای زراعی مثل نشاکاری، وجین، درو و برداشت محصولات، باغداری مثل چیدن میوه، دامداری مثل دوشیدن دامها و تهیه مواد لبنی

● نقش زن در کشت برنج از دیر باز نقش بارز و ویژه‌ای بوده است و در واقع دشواری و تراکم کشت برنج، نه تنها کمک زنان، بلکه همیاری و همکاری کلیه افراد خانواده را در فعالیتهای تولید طلب می‌کرد.

● هر چقدر به زنان قشر پایین «بنه» نزدیکتر می‌شویم، فعالیت اقتصادی زنان بیشتر می‌شود. در بعضی دهات، زنان گاهی در شخم زدن زمینهای زراعی نیز با مردان همکاری می‌کردند.

برداشت یعنی درو، پشته کشی و باد دادن خرمن (جدا کردن کاه و کلش از دانه) توسط ماشین و بدون دخالت دست انجام گرفت. بررسی ساعدلو از نیروی کار لازم در متوسط یک هکتار گندم نشان می‌دهد که در صورت اعمال کشت سنتی، نیروی کار لازم برای عملیات برداشت گندم، جمعاً بین ۱۹ تا ۲۷ نفرند که یک دوم تا یک سوم ایشان را زنان تشکیل می‌دهند. در حالی که با استفاده از کمباین این تعداد به دو نفر مرد تقلیل پیدا می‌کند.^۸

بنابراین می‌توان گفت ورود ماشین به روستا و تسلط کشت تجاری، یکی از عوامل عمده‌ای است که فعالیتهای مردان را محدود و همچنین فعالیت زراعی زنان را در امر زراعت گندم تقریباً از بین برد.

«جدول یک» بررسی ما از مراحل مختلف کشت و داشت و برداشت گندم را برحسب نیروی انسانی و نیروی ماشین طی دو دوره غلبه کشت سنتی و تسلط کشت تجاری نشان می‌دهد.

◀ نقش زن در زراعت پنبه:

کشت پنبه در ایران سابقه دیرینه دارد و در یک اقتصاد معیشتی و سنتی کشاورزی، به دلیل کاربری زیاد محصول پنبه، همکاری کلیه اعضای خانوار از جمله زنان در امور تولیدی لازم و ضروری به شمار می‌آمد. به علاوه استفاده از ابزار و ادوات سنتی، نقش نیروی انسانی را در جریان تولید، بسیار مهم و تعیین کننده می‌کرد. از این رو زنان نیز همپای مردان در مراحل مختلف زراعت پنبه فعالیت بارزی داشتند. نقش زنان در زراعت پنبه مربوط به مراحل داشت و برداشت محصول می‌شد. در مرحله داشت، تنک کردن محصول (کندن بوته‌های پنبه اضافی)^۹ و وجین کردن (کندن علفهای هرزه)، که معمولاً دو بار صورت می‌گرفت، از جمله فعالیتهای زنانه محسوب می‌شدند. در مرحله داشت نیز چین پنبه در اکثر مزارع به عهده زنان گذاشته می‌شد و به

تنورهای خانگی می‌پرداختند. علاوه بر عملیات فوق، «خوشه‌چینی» که عبارت بود از جمع کردن خوشه‌هایی که ضمن دسته برداشتن گندم به زمین می‌ریخت، اغلب کار زنانی بود که به گروه بی‌زمین و فقیر ده تعلق داشتند.

البته باید توجه داشت که اصولاً فعالیت اقتصادی زنان با قشریندی اجتماعیشان بی‌ارتباط نیست.^۶ یعنی هر چقدر به زنان قشر پایین «بنه» نزدیکتر می‌شویم، فعالیت اقتصادیشان بیشتر می‌شود طوری که در بعضی دهات، زنان گاهی در شخم کردن زمینهای زراعی نیز با مردان همکاری می‌کردند در حالی که فعالیت زنان قشر مرفه، فقط به رسیدگی به امور خانه، تربیت بچه‌ها و پختن نان محدود می‌شد. جلال آل‌احمد در مونوگرافی «دوران، یکی از دهکده‌های توابع قزوین، می‌نویسد:

«تنها کارهای خانه نیست که به عهده زنهاست. موقع درو و خرمن‌کوبی، علف چینی و در سیفی کاریها و هر کار دیگری با مردها دوش به دوشند. بچه‌های شیری خود را با چادر شبی به پشت می‌بندند، راه می‌افتند و پا به پای مردان کار می‌کنند و فقط شخم و آبیاری شبانه، کاری مردانه است و غیر از این هیچ استثنایی برای زنها قایل نیستند.»^۷

با تسلط تدریجی شیوه کشت تجاری در روستاهای ایران، در شکل سنتی زراعت گندم نیز تغییرات بسیاری حاصل شد. استفاده از نیروی گاو برای شخم زمین که پیش از این در اکثریت روستاهای ایران رواج داشت با ورود تراکتور به روستا منسوخ شد. از طرف دیگر با حفر چاههای آبی و استفاده از موتور پمپ برای آبیاری مزارع، مشکلات مربوط به ایجاد لایروبی قنوات و سیستم سنتی آبیاری از بین رفته و ضرورت همکاری جمعی نیز از میان رفت و دهقان در ازای پرداخت مبلغی پول، آب زراعی مورد نیاز خود را تأمین کرد. در مرحله برداشت محصول هم با جایگزینی ماشین کمباین به جای انسان، عملیات

استفاده از نیروی انسانی و حیوانی و ابزار سنتی انجام می‌شد و به همین دلیل نقش نیروی انسانی در جریان تولید، اهمیت ویژه‌ای داشت. عواملی که مشارکت و همکاری کلیه اعضای خانوار و همچنین زنان را در امور تولیدی ایجاب می‌کردند عمدتاً به قرار زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف) کشت معیشتی مستلزم همکاری کلیه اعضای خانواده در امور تولیدی بود و خانوار واحد تولید خودکفا محسوب می‌شد و برای تأمین نیازهای مصرفی خود باید از کلیه امکانات و نیروی کار بالقوه موجود در خانوار سود می‌جست تا بتواند معیشت خود را تأمین کند.

ب) آمیختگی کشاورزی معیشتی با سایر منابع تولید مثل باغداری، دامداری و صنایع دستی نیازمند همکاری همه جانبه اعضای خانوار بود و کلیه اعضای خانوار برحسب سن و جنس، عهده‌دار فعالیتهایی در منابع مختلف تولید بودند.

ج) محدودیت منابع آب زراعی و استفاده مطلوبتر از منابع آب، آبیاری مشارکتی را متداول و به دنبال آن بهره‌برداری جمعی و گروهی را مرسوم ساخت. این مسئله به خوبی در امر زراعت گندم مشهود است.

به طور کلی عملیات سنتی زراعت گندم، مراحل کاشت، داشت یعنی شخم و آبیاری و کودپاشی زمین، با مردان بود و کار زراعی زنان غالباً در هنگام برداشت محصول آغاز می‌شد. بدین ترتیب زنان در درو، خرمن‌کوبی و باد دادن محصول همپای مردان فعالیت می‌کردند و این عملیات در اکثر نواحی کشاورزی ایران مشابه و یکسان بود. فعالیت دیگری که زنان پس از پایان عملیات کشت گندم انجام می‌دادند، مربوط به آماده کردن آرد و تهیه نان بود که در این دوره کاملاً به شکل سنتی انجام می‌گرفت. در واقع پس از آنکه کار خرمن‌کوبی، باد دادن و غربال گندم به پایان می‌رسید، زنان مقداری از محصول را که کفاف نان سالانه خانواده را بدهد با خود به منزل برده و پس از آسیاب و تهیه آرد، به پخت سنتی نان در



گیاه میسر نشد اما تقریباً در ۴۰ درصد مزارع برای برداشت محصول، کمباین به کار برده می‌شود.^{۱۳}

به این ترتیب می‌توان گفت فعالیت‌های زراعی زنان در کشت پنبه به صورت زیر کاهش یافت:

(الف) با استفاده از بذر اصلاح شده، تُنک کردن گیاه ضرورت خود را از دست داد، زیرا با کاشت هر بذر اصلاح شده، فقط یک بوته پنبه به وجود می‌آید.

(ب) استفاده از سموم علف‌کش، عملیات وجین محصول را تقلیل داد.

(ج) در ۴۰ درصد از مزارع کمباین جایگزین نیروی کار زنان پنبه چین شد.

محاسبات آماری نیروی کار لازم در کشت پنبه نشان می‌دهد که نیروی کار لازم در

متوسطه یک هکتار برای انجام هر یک از فعالیت‌های زنان چون تنک کردن، وجین و پنبه

چینی در عملیات کشت سنتی به ترتیب برابر ۲۰ زن برای تنک کردن، ۳۰ زن برای انجام

سه بار وجین و ۹۰ زن برای پنبه چینی می‌شود. حال آنکه پس از اصلاحات

ارضی، با رواج بذر اصلاح شده در مزارع پنبه، مرحله تنک کردن گیاه، تقریباً از بین رفته

و استفاده از سموم علف‌کش، مراحل وجین را به یک تا دو بار کاهش داده است.

همچنین در صورت استفاده از کمباین برای برداشت محصول، نیروی کار لازم در

متوسط یک هکتار به دو نفر مرد تقلیل می‌یابد.^{۱۴}

نقش زن در زراعت برنج:

تا قبل از اصلاحات یکی از مهمترین محصولات کشاورزی ایران که تقریباً پس از

گندم و جو، غذای بخش اعظمی از مردم روستایی و شهری را تشکیل می‌داد برنج

بود. کشت این محصول در گیلان، مازندران، خوزستان و فارس متداول بود

ولی مرکز عمده تولید آن در استانهای گیلان و مازندران و به طور کلی سواحل دریای

خزر است.

نقش زن در کشت برنج از دیرباز، نقش بارز و ویژه‌ای بوده است و در واقع

دشواری و تراکم کشت برنج، نه تنها کمک زنان، بلکه همیاری و همکاری کلیه افراد

خانواده را در فعالیت‌های تولیدی طلب می‌کرد. در این بخش از آنجا که زنان در

کلیه مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول، نقش مهمی به عهده دارند؛ به



دردت مردان در این امر دخالت داشتند. پس از اصلاحات ارضی و استفاده از روشها و وسایل مکانیزه برای زراعت پنبه نقش نیروی انسانی در زراعت پنبه، به طور محسوسه کاهش یافت. بهره‌برداری از تراکتور در اکثریت قریب به اتفاق مزارع رایج شد و همچنین استفاده از کود و سمپاشی و بذر اصلاح شده و ضدعفونی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.^{۱۵} اگر چه کاربرد وسیع کمباین برای برداشت محصول پنبه به دلایل چند از جمله کوچک بودن قطعات اراضی و شکنندگی

جدول شماره (۱): مقایسه عملیات کشت گندم برحسب نیروی کار

عملیات زراعی گندم قبل از اصلاحات ارضی (کشت سنتی) عملیات زراعی گندم بعد از اصلاحات ارضی (کشت مدرن)

عملیات زراعی	نیروی کار و ابزار کار		وسیله کار	نیروی حیوان	نیروی انسان
	نیروی ماشینی	نیروی انسانی			
شخم	تراکتور	مرد(راننده)	خیش - بیل	گاو	مرد
دیسک زدن و بذریاشی	تراکتور	مرد(راننده)	دیسک	-	مرد
مرزکشی (کوت‌بندی)	مرزکش تراکتور	مرد(راننده)	کلدر	-	مرد
آبیاری	-	مرد	-	-	مرد
کود و سمپاشی ^۱	سپاش و کودپاش	مرد	-	-	مرد
درو	کمباین	مرد(راننده)	داس	-	مرد و زن
دمت کردن و پشته کردن	کمباین	مرد(راننده)	-	-	مرد و زن
کوبیدن خرمن	تراکتور	مرد(راننده)	چرخ خرمن‌کوب	اسب - الاغ - گاو	مرد و زن
باددادن خرمن	کمباین	مرد(راننده)	غربال، بارو	-	مرد و زن
خوشه چینی	-	-	-	-	زن

جدول شماره (۲): مقایسه عملیات کشت پنبه برحسب نیروی کار

عملیات زراعی قبل از اصلاحات ارضی (کشت سنتی) عملیات زراعی بعد از اصلاحات ارضی (کشت نیمه مدرن)

عملیات زراعی	نیروی کار و ابزار کار		وسیله کار	نیروی حیوان	نیروی انسان
	نیروی ماشینی	نیروی انسانی			
شخم و آماده کردن زمین	تراکتور	مرد(راننده)	خیش	گاو - اسب	مرد
بذر پاشی	دیسکهای مختلف	مرد	غلظک میخ‌دار	گاو - اسب	مرد
نهر کشی	تراکتور - نهرکن	مرد	بیل و کج‌بیل	-	مرد
مرزکشی	تراکتور - مرزکش	مرد	بیل و کج‌بیل	-	مرد
تخم زدن	خیشهای مختلف چند تیفه	مرد	خیش	گاو - اسب	مرد
آبیاری نوبت اول و دوم	آبیاری نواری (پمپاژ به وسیله موتور پمپ)	مرد	بیل	-	مرد
تنک کردن	-	-	فوکا - کج‌بیل	-	زن
آبیاری نوبت سوم	-	مرد	بیل	-	مرد
وجین کردن	تراکتور ۱۵	زن	فوکا - کج‌بیل	-	زن
پنبه چینی	دستی - کمباین	زن - ۱۶ مرد	دستی	-	زن
پاک کردن پنبه	کارخانه پنبه پاک‌کنی	مرد	دستی	-	زن



توصیف هر یک از عملیات زراعی برنج پرداخته تا از این رهگذر، نقش زن، در امر تولید برنج را بهتر و دقیقتر شناسایی کنیم:

۱ - شخم و آماده کردن زمین: در نواحی برنجکاری عمدتاً اراضی را در سه نوبت که از زمستان تا اوایل بهار به طول می‌انجامد، شخم می‌زدند و این امر توسط مردان، با کمک خیش چوبی و نیروی گاو انجام می‌شد. پس از شخم آخر، ماله‌کشی به منظور صاف و یکدست کردن شالیزار انجام می‌شد که دو یا سه مرحله داشت. معمولاً ماله‌کشی نوبت سوم به عهده زنان بوده است. در همین زمان کود را هم به خاک اضافه می‌کردند که کود اغلب طبیعی بوده است. مثل پهن گاو، فضله پرندگان، خاکستر و ذغال... زنان در تهیه کود طبیعی نیز نقش فعالی به عهده داشتند.

۲ - بذرکاری در خزانه: خزانه محلی است که برای تهیه نشا آن را به کاشت بذر اختصاص می‌دادند. البته مساحت این قطعه زمین بستگی به سطح زیرکشت برنج داشت. معمولاً برای هر هکتار زمین زراعی، چهارصد متر مربع خزانه آماده می‌شد. برای تهیه بذر، زنان آنها را در گونیها و یا سبدهای بسته می‌خیساندند و به ستونهای ایوان منزل آویزان می‌کردند. پس از آنکه دانه‌های برنج جوانه می‌زد عملیات بذریاشی در خزانه آغاز می‌شد که توسط مردان انجام می‌گرفت. هنگامی که طول بوته‌های بذر کاشته شده حدوداً به ۱۲ سانتیمتر می‌رسید، عملیات نشاکاری یا مهمترین مرحله زراعی زنانه شروع می‌شد.

۳ - نشاکاری: که در اکثریت مزارع منحصراً توسط زنان انجام می‌گرفت. برای نشاکاری ابتدا بوته‌های رشد یافته در خزانه را از نصف ریشه قطع کرده و پس از جمع‌آوری، آنها را به زمین اصلی منتقل می‌کردند و به فواصل ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتری در زمین می‌کاشتند. کلیه این عملیات با دست صورت می‌گرفت.

۴ - وجین کاری: برای وجین، آب مزارع را خالی کرده و با داره یا داس، علفهای هرز را از ریشه بیرون می‌آوردند. این کار نیز اساساً توسط زنان صورت می‌گرفت و

اغلب دو یا سه بار تکرار می‌شد

۵ - درو: عملیات درو به وسیله داره، یا داسهای دنداندار و توسط مردان و زنان مشترکاً انجام می‌شد. پس از درو و جمع‌آوری محصول، آن را به محل خرمن منتقل می‌کردند.

۶ - خرمن‌کوبی: برای کوبیدن محصول آن را به محل خرمن برده و سپس به وسیله اسب یا قاطر، عمل کوبیدن را انجام می‌دادند. برنج‌کوبی که توسط مردان شروع می‌شد به وسیله زنان تکمیل می‌شد. بدین ترتیب که شلتوکهایی را که در زیر پای حیوانات سالم مانده، توسط نوک یک نی مالیده و شلتوک را از دانه برنج جدا می‌کردند. سپس برنج را با پاروهای چوبی باد می‌دادند و بدین ترتیب دانه‌ها کاملاً از ساقه جدا می‌شدند. پس از انجام این مرحله، برنج فقط با پوسته خود همراه بود.

۷ - خشک کردن: برای خشک کردن برنج که با پوسته خود همراه است آن را بر روی سطحی خشک و پوشیده از کاهگل پخش می‌کردند و یا داخل ظروفی از چوب و یا سرگین گاو می‌ریختند. این عمل نیز توسط زنان انجام می‌گرفت.

۸ - پوست‌گیری: سابقاً برای جدا کردن پوست یا سبوس برنج از وسیله‌ای به نام

«آبدنگ» یا «بادنگ» استفاده می‌کردند. این وسیله اهرمی داشت که با هر ضربه به اهرم، دانه برنج از پوست جدا می‌شد. معمولاً دو زن پای آبدنگ نشسته و برنج را به تدریج درون آبدنگ می‌ریختند. بعد از این عمل آبدنگ را موقتاً از کار باز می‌داشتند و برنج نیم جدا شده از سبوس را در «لاوک»^{۱۱} ریخته و باد می‌دادند تا سبوس از برنج جدا شود. پس از آن مجدداً برنج باقیمانده در لاوک را در آبدنگ ریخته تا به اصطلاح «دوکو» شود. این بار، دانه با کمی باد دادن از سبوس جدا می‌شد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در کشت سنتی، عملیات زراعی زن در امر تولید برنج شامل ماله‌کشی زمین، تهیه کود طبیعی، نشاکاری، وجین، خرمن‌کوبی، خشک کردن و پوست‌گیری می‌شد. به علت غلبه سیستم اجاره‌داری در این منطقه و استقلال عمل نسبی زارعان در امر کشاورزی، قوانین اصلاحات ارضی، تغییر و دگرگونی عمده‌ای در امر زراعت برنج ایجاد نکرده است. با این همه باید توجه داشت که بر اثر تقسیم املاک سلطنتی و خالصه و اراضی بزرگ، بر تعداد خرده مالکان افزوده شد. از طرفی با استفاده از کودها و سموم شیمیایی و رواج ماشین‌آلات کشاورزی و روشهای جدید کشت، میزان تولید محصول افزایش یافت و از سوی دیگر سهم نیروی انسانی خانوادگی، همچنین نیروی کار زنان در فعالیتهای زراعی کاهش یافت.

به طور کلی می‌توان گفت عملیات زیر تقریباً مکانیزه شده و از نقش نیروی انسانی کاسته شده است:

الف - مرحله آماده کردن و شخم زمین



● جلال آل احمد در مونوگرافی اورازان می نویسد: «تنها کارهای خانه نیست که به عهده زن‌هاست. موقع دو و خرمن کوبی، علف چینی و در سینی کاریها و هر کار دیگری با مردها دوش به دوشند. بچه‌های شیری خود را با چادر شبی به پشت می بندند، راه می افتند و پا به پای مردان کار می کنند.

مزرعه؛ کمک در باد دادن و غربال خرمن، تقریباً در تمام مناطق روستایی مشابه بوده و با مشارکت زنان انجام می شود.

۶. نیک خلق، علی اکبر - جامعه‌شناسی روستایی ایران - پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه - ۱۳۵۸

۷. آل احمد، جلال - اورازان - انتشارات مازیار - تهران ۱۳۳۲ - ص ۵۰

۸. ساعدلو، هوشنگ - بحثی پیرامون کار کشاورزی و طریق محاسبه کار در کشاورزی - سازمان برنامه و بودجه - تهران ۱۳۵۲

۹. باید توجه داشت که مسلماً عملیات زراعی گندم در کلیه نقاط ایران با جدول فوق کاملاً تطابق ندارد و در برخی از روستاهای دورافتاده، هنوز کشت نیمه سنتی غالب است.

۱۰. قبل از اصلاحات ارضی به صورت خیلی محدود از کودها و سمهای شیمیایی استفاده شده و کودها اغلب کودهای حیوانی بودند.

۱۱. در کشت سنتی معمولاً از هر تخم، چندین گیاه پنبه به وجود می آمد و زارع ناگزیر بود، بوته‌های اضافی را قطع کرده و فقط یک بوته باقی بگذارد تا قوت گیاه از بین نرود و به خوبی رشد کند. این عمل توسط زنان انجام می گرفت.

۱۲ و ۱۳. شخم بیش از ۹۰ درصد اراضی با تراکتور و بیش از دو سوم مزارع از بذرها اصلاح شده استفاده کرده‌اند. نشریه سازمان پنبه ایران - شماره ۷، تهران ۱۳۵۵

۱۴. ساعدلو، هوشنگ - همان مأخذ

۱۵. وجین نوبت اول معمولاً با تراکتور انجام می شود. ولی وجین دوم با دست و اکثراً توسط زنان صورت می گیرد.

۱۶. در برداشت با ماشین، مرد کمباین را هدایت کرده ولی در برداشت دستی زنان اکثر کار را انجام می دادند.

۱۷. «لاوک» ظرفی چوبی است که برای جدا کردن سیوس برنج از دانه آن مورد استفاده زنان شمالی قرار می گرفت.

۱۸. نیک خلق، علی اکبر - کشت برنج - مؤسسه پژوهشهای دهقانی و روستایی ایران - تهران، ۱۳۵۹

۱۹. پس از مصرف سموم علف کش، از میزان علفهای هرز و عملیات وجین کاری کاسته شده است.

استفاده می شود و شیوه همیاری و تعاون که سابقاً در دهات شمال رایج بود، اهمیت سابق را ندارد.

جدول سه عملیات کشت برنج را قبل و بعد از اصلاحات ارضی نشان می دهد. یادداشتها:

۱. مرکز آمار ایران - نشریه یک، درصد سرشماری کل کشور ۱۳۶۵

۲. منظور از کشت معیشتی، کشتی است که در آن

عموماً توسط گاو آهنهای مجهز به تیلر و عملیات ماله کشی توسط بولدوزر و بیل مکانیکی انجام می گیرد.

ب - خرمن کوبی برنج توسط دستگاههای خرمن کوب جدید صورت می گیرد.

ج - خشک کردن برنج با خشک کنهای برقی انجام می شود.

د - عملیات پوست گیری نیز در

جدول شماره (۳): مقایسه مراحل کشت برنج بر حسب نیروی کار

عملیات زراعی قبل از اصلاحات ارضی		عملیات زراعی بعد از اصلاحات ارضی		
نیروی کار و ابزار کار	نیروی انسان	نیروی حیوان	وسیله کار	نیروی ماشین
شخم و آماده کردن زمین	مرد	گاو	خیش	تیلر
ماله کشی	مرد و زن	-	ماله	بیل مکانیکی
آماده کردن زمین خزانه	مرد	-	-	-
آبیاری	مرد	-	-	-
خیساندن بذر	زن	-	دستی	دستی
بذرپاشی در خزانه	مرد	-	دستی	دستی
نشاکاری	زن	-	دستی	دستی
وجین	زن	-	داره (داس)	دستی
درو	مرد و زن	-	-	زن و مرد
خشک کردن	زن و مرد	-	-	خشک کن برقی
کوبیدن خرمن	زن و مرد	اسب - گاو	چرخ خرمن کوب	دستگاه برقی خرمن کوب
پوست گیری	زن	-	آبنگ	کارخانه برنج پاک کنی

محصول نه برای عرضه به بازار بلکه عمدتاً به منظور مصرف در خانواده تولید می شود و نیروی کار آن را عمدتاً انسان و حیوان تشکیل می دهند.

۳. کشت تجاری به فعالیتهایی گفته می شود که هدف اساسی، تولید محصول برای فروش در بازار است و در فرآیند تولید، استفاده از وسایل مکانیزه تقریباً رایج و غالب می باشد.

۴. این شکل از مدیریت در تمام نقاط ایران به استثنای مازندران، گیلان و بلوچستان قابل مشاهده است؛ ماخذ از ملک حسین - وضع کشاورزی ایران - سازمان برنامه و بودجه - تهران ۱۳۵۴.

۵. باید توجه داشت که شرکت زنان در دروی محصول در همه نقاط ایران مشابه و یکسان نیست و در بعضی از مناطق شمالی و جنوبی کشور، زنان اساساً در فعالیتهای مربوط به دروی گندم با مردان همکاری نمی کنند. اما سایر کارهای جنبی نظیر حمل غذا به سر

کارخانجات برنج پاک کنی و با کمک دستگاههای برنج کوبی صورت می گیرد. به طوری که ماشینهای برنج کوبی در روستاهای ایران جای «آبندنگ» و «پادنگ» را گرفته و در نتیجه یکی از قشرهای جامعه روستایی ایران که به آبدنگچی معروف بوده و اکثراً زن بودند، نقش خود را از دست دادند^{۱۸} همچنین باید توجه داشت که با به کارگیری و استفاده از کودها و سموم شیمیایی از حجم عملیات وجین کاری نیز کاسته شده است.

بنابراین بعد از اصلاحات ارضی، نشای برنج مهمترین و عمده ترین فعالیت زراعی زنان محسوب می شود. به علاوه باید خاطر نشان کرد که نحوه اعمال این فعالیت نیز پس از اصلاحات ارضی دگرگون شده است. یعنی با نفوذ مناسبات کالایی و کشت تجاری در منطقه شمال، از نیروی کار زنان بیشتر به صورت کارگران کشاورزی روزمزد

وسواس تا چه حد؟

دکتر الینور کمپبل
ترجمه ندا سهیلی

از طرفی باید مطمئن باشید به سراغ چیزهای خطرناک مانند مایعات پاک کننده، وسایل برقی، داروها، چسب مایع، سوزن ته گرد و چیزهایی از این قبیل نروید. اما از اینها گذشته اکثر چیزهای موجود در محیط منزل بی خطر است و البته درست است که امکان وجود میکروب در هر چیزی هست اما غالب آنها بیماریزا نبوده و ضرری متوجه طفل نمی شود.

در واقع مدت کوتاهی پس از تولد، در دهان و دستگاه گوارش کودک باکتریهای بی ضرری وجود دارند و میکروبیایی که می توانند سبب بیماری شوند غالباً از طرف سایرین وارد بدن طفل می شوند. گاهی اوقات این انتقال میکروب از طریق غذاها خصوصاً غذاهای دانی صورت می گیرد نه از طریق وسایلی مانند اسباب بازی و وسایل غذاخوری.

بعضی روشهای اساسی نظافت و پاکیزگی ارزش دقت و بحث را دارند. مثلاً برخی غذاهای رویناز مگسها را جلب می کنند و مگسها هم حامل میکروب هستند.

نیازی که به کشف محیط اطراف دارند باز دارید و در نتیجه لزومی ندارد برای ضدعفونی کردن هر چیز خودتان را از پایاندازید.

تمام بچه ها هر چیزی دم دستشان می رسد به دهان می گذارند، این عمل ضرورتاً به دلیل گرسنگی یا دندان درآوردن نیست بلکه دلیل ساده تری دارد. آنها می خواهند آن شیء را بشناسند. دهان حساسترین نقطه بدن طفل است و بیماریهای دریافتی از این ناحیه در بخش نسبتاً گسترده ای از مغز انتشار می یابد. کودک با خوردن غذا و رفع گرسنگی آرام می شود، غذا را از طریق دهان می خورد پس ترجیح می دهد تحقیق و بررسی اشیا را نیز از همین راه انجام دهد. شیء را به دهان می گذارد تنها به خاطر آنکه برایش جالب است. در این مرحله از رشد طعم و مزه، درست اهمیت دادن و لمس کردن را برای او دارد. شما باید اجازه این گونه کنکاش را به او بدهید. بگذارید یک قطعه چوب یا پلاستیک را آزمایش کند درست مانند آب و غذا، اما

چند وقت پیش مادری کودکش را برای معاینه به مطب من آورده بود. کودک در حالی که روی میز کنار مادرش نشسته و پاها را از هم بار گذاشته بوده خم شد تا قطعه ای اسباب بازی را از روی میز جلوش بردارد. آن را برداشت سپس با دقت از یک دست به دست دیگر داد و بعد با کنجکاوی آن را مستقیماً به طرف دهانش برد. رفتارش کاملاً طبیعی بود یعنی دقیقاً آنچه که من از یک طفل به سن او انتظار داشتم. در همین موقع مادرش از من پرسید: «فکر می کنید تا کی لازم است بشقبات و قاشق او را ضدعفونی کنم؟» و این درحالی بود که کودک دهان خود را به لبه چرمی میز چسبانده بود مشغول گاز زدن آن بود. به کودک اشاره کردم و گفتم «خودتان چه فکر می کنید؟» مادرش وقتی منظور مرا فهمید خندید. در واقع وقتی او هر چیزی را به طرف دهانش می برد، ضدعفونی کردن ظرف غذا و قاشق او چه مفومی دارد؟

شما نمی توانید و نباید کودکان را از





● تمام بچه‌ها هر چیزی دم دستشان می‌رسد به دهان می‌گذارند زیرا می‌خواهند آن شیء را بشناسند.

در مورد مواد خوراکی و گرد و خاک چه کنیم؟ به گمان اکثر ما به کودک نوپایمان اجازه می‌دهیم تا بیسکویتش را که روی زمین افتاده برآورد و به خوردنش ادامه دهد. البته اگر شخص دیگری نزد ما باشد، در مقابل او احساس گناه می‌کنیم. راستش را بخواهید شانس بر خوردن یا میکروبهای بیماریزا در کف تمیز منزل شما یا هر کس دیگر واقعاً صفر است. اما خارج از خانه مسئله دیگری است. غذاهایی که روی پیاده‌رو می‌افتد باید کنار گذاشته شوند، پستانک و اسباب‌بازی باید به خانه برده و شسته شوند. میکروبها اگر چیزی برای تغذیه نداشته باشند به سرعت و سهولت از بین می‌روند. بنابراین اسباب‌بازیهای مهدکودک یا مطب دکتر ندرتاً مشکل‌زا هستند. من خود اصرار دارم جمعهای که در مطب من برای بچه‌ها وجود دارد در فاصله بین یک بچه و بچه دیگر شسته شود. اما این بیشتر یک عادت اخلاقی است تا یک نگرانی جدی برای انتقال میکروب.

در مورد استفاده از لباسهای دست دوم

بشوید و زیر ناخنها را با برس تمیز کنید. به دختر کوچکتان بیاموزید که خود را از سمت جلو به عقب بشوید این عمل به صورت عادت مفیدی برای او درمی‌آید که بعدها در زندگی او را در مقابل عفونتهای رحم و تخمدان نیز محافظت می‌کند.

مدفوع حیوانات ممکن است میکروبهای خطرناکی داشته باشد. برخی از این میکروبها باعث ناپیسی می‌شوند که البته بسیار نادرند. اما آنها که ناراحتیهای شکمی به وجود می‌آورند تعدادشان کم نیست. بنابراین در باغها، پارکها و حیاط منزل بسیار مراقب مدفوع حیوانات باشید. باید بدانید که حیوانات خانگی به طور طبیعی و قاعدتاً حامل انگل هستند بنابراین اگر حیوان خانگی دارید به آنها بیاموزید که از قسمت خاصی از باغ یا حیاط برای عمل دفع استفاده کنند. اجازه دهید طفل یا حیوان بازی کند ولی نگذارید حیوان بچه را لیس بزند.

◀ موارد بی‌ضرر

غذاهای روپاز و مالنده زمینه مناسبی برای توسعه آلودگی - خصوصاً در هوای گرم - هستند. بنابراین سعی کنید خردههای غذا را دور اندازید و جای آنها را تمیز کنید. روی غذا را بپوشانید و در محیط خشک و خشک نگه دارید.

در مورد کودکانی که از لگن استفاده می‌کنند، باید بدانید که لگن میکروبهای دارد که برای صاحب لگن غالباً بی‌ضرر است. اما همین میکروبها ممکن است در شخص دیگر خصوصاً در افراد کم‌سال و ضعیف ایجاد بیماری کند. پس از استفاده از لگن آن را بشوید دستها را نیز خوب بشوید. اگر کسی از افراد منزل انگل دارد باید بیشتر مراقب باشید. برخی انگلها از راه تماس انتقال می‌یابند. خاراندن با مالش مقعد، تخم انگل را زیر ناخنها جمع می‌کند، مکیدن انگشت با نا دست خوردن غذا نخنها را مجدداً به دستگناه گوارشی وارد کرده و موجب ادامه بیماری می‌شود. برای پیشگیری از این عمل، پس از استفاده از لگن و شستن کودک و پیش از خوردن غذا دستها را

که از دوستان و اقوام به کودک شما می‌رسد. جای نگرانی نیست آنها نمی‌توانند ناقل میکروب باشند و یک شستشوی عادی می‌تواند آنها را برای استفاده مجدد تمیز و قابل پوشیدن کند.

خطر جدی:

در هر حال شرایطی وجود دارد که شما باید وسواس بیشتری به خرج دهید. اگر کسی در خانواده دچار سرماخوردگی یا ناراحتی پوستی و یا عفونت انگلی است، باید بیشتر مراقب باشید. آلودگی از راه تماس انتقال می‌یابد پس سعی کنید از دستمالهای یک بار مصرف استفاده کنید. لباسها و ملافه‌ها را با آب داغ بشویید و از استفاده مشترک اسباب‌بازیها تا زمان سلامتی کامل و برطرف شدن عفونت خودداری کنید. حتماً کودک را به مطب پزشک ببرید و از داروهای تجویز شده به درستی استفاده کنید. در اطاق انتظار مطب دکتر طفل را از سایر اطفال مریض دور نگه دارید.

چرا ضدعفونی؟

در مورد کودکان شیرخوار، نوک سینه مادر یا سر شیشه شیر باید حتماً ضدعفونی شود. دلیل آن واضح است زیرا هر قطره شیر که باقی بماند منبع غذایی خوبی برای میکروبها می‌شود. بشقاب، کاسه و قاشق به راحتی تمیز می‌شوند و نیازی به ضدعفونی شدن ندارند.

شاید فکر کنید بردن یک نوزاد از محیط استریل بیمارستان به محیط منزل کار چندانی درستی نیست اما این را بدانید که با نگر داشتن نوزاد در بیمارستان باید همواره از لباسهای ضدعفونی شده استفاده کنید و با مواد ضدعفونی کننده محیط را بشویید تا از انتشار هرگونه آلودگی جلوگیری کنید. در حالی که همین نوزاد می‌تواند از کهنه و وسایل تمیز در محیط نسبتاً غیرآلوده منزل استفاده کند زیرا اکثر خانه‌ها فاقد میکروبهای خطرناک هستند.

در هر حال بهتر است بدانید هر نوزاد که به دنیا می‌آید در مقابل بسیاری از میکروبها مقاوم است. این ایمنی در دوران طفولیت ادامه دارد و کودک را در برخورد روزانه با میکروبها محافظت می‌کند. بدن ما به خوبی برای مقاومت در مقابل عفونتها تنظیم شده، پوست به عنوان یک پوشش سخت عمل می‌کند بنابراین مجبور نیستید خانه یا لباسها را عاری از میکروب کنید.

تنها زمانی که پوست دچار خراشیدگی یا زخم می‌شود احتمال جمع شدن میکروب و نفوذ آنها به داخل وجود دارد. در اکثر خانواده‌های سالم افراد ترسی از آلوده بودن یکدیگر ندارند. اما اگر مجبور شدید از توالت عمومی استفاده کنید، مثلاً در مسافرت شستن دستها زیر ناخنها کاملاً ضرورت دارد. در مورد آشپزخانه باید گفت وسایل آشپزی و جایی که غذا را آماده می‌کنید چیزهایی هستند که استریل باقی نمی‌مانند و در واقع نیازی هم به این کار نیست فقط از تمیز بودن آنها مطمئن باشید و خرده غذاها را جمع کنید و دور بریزید. در مورد سایر نقاط منزل همه چیز به شما بستگی دارد. میکروبها در گرد و خاک رشد و تولید مثل نمی‌کنند. اما اگر شخصی در خانه مبتلا به آسم است باید در مورد زدودن گرد و خاک منزل از خود وسواس نشان دهید.

خوب است که فرزندان شما تمیز و مرتب به نظر آیند اما مهمتر آن است که به صحبت‌های او در مورد قهرمانیش در بازی فوتبال گوش دهید تا اینکه نگران برطرف کردن گل و خاک از لباس او باشید، و به خود یادآور شوید که بچه‌های ما برای حفظ

سلامتیشان تنها به توجهات اساسی و ضروری در نظافت احتیاج دارند.

آنچه باید انجام دهید:

دستهای خود و کودک را پس از استفاده از توالت و پیش از غذا بشویید. نوک سینه و سر شیشه شیر را ضدعفونی کنید.

خرده‌های غذا را حتماً دور بریزید. متوجه وجود مدفوع حیوانات باشید. عفونتهای پوستی را جدی بگیرید. پستانک را با یک بند یا زنجیر به گردن کودک اندازید.

آنچه نباید انجام دهید.

شستن حمام یا وان، با مواد ضدعفونی کننده لزومی ندارد. نگرانی در مورد جویدن اشیا توسط اطفال بی‌مورد است. ضدعفونی کاسه، قاشق و غیره و استفاده از خوله و دستمال استریل اصلاً ضرورتی ندارد شستشوی بیش از حد لباس فقط شما را خسته می‌کند.

فرم اشتراك

نام خانوادگی: _____
 نام خانوادگی: _____
 سن: _____
 تاریخ شروع اشتراك: _____
 از شماره: _____
 کد پستی: _____
 تحصیلات: _____
 نشانی: _____
 تلفن: _____
 صندوق پستی: _____

حق اشتراك برای يكسال (۱۲ شماره)

ایران ۹۶۰۰ ریال ◊ آمریکا، کانادا و خاور دور معادل ۲۲ دلار ◊ اروپا معادل ۲۰ مارک ◊ خاورمیانه معادل ۲۲ دلار

خوانندگان گرامی در صورت تمایل به اشتراك می‌توانند با تکمیل این فرم و واریز حق اشتراك به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعب سراسر کشور)، اصل فیش بانکی همراه با اصل یا کپی این فرم را به نشانی تهران - صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ مجله زنان ارسال فرمایند.



نقش هنر

☀ نگاهی به آثار نقاشی
«سهیلا مهدوی»
- نگارخانه سبز
۱۷ تا ۲۲ مهر ۷۲ -
● سپیده خانبلوکی

تابلوهای مداد رنگی وی طبیعت بیجانایی هستند که تنها نماینگر تعدادی از رنگها در کنار یکدیگرند و از نظر موضوع، حس، پرسپکتیو و کمپوزیسیون، نکته قابل توجهی در آنها دیده نمی‌شود. کارهای آکرولیک وی نیز عمدتاً طبیعت بیجان و منظره هستند ولی در بعضی از آنها، از نظر نحوه کارکرد و انتخاب رنگ و کمپوزیسیون و هماهنگی رنگها تحولی به چشم می‌خورد که از کارهای دیگر این نقاش، متمایزشان می‌سازد. به هر حال واضح است که نقاش، از دوره‌ای به دوره دیگر گذر کرده و مرحله جدیدی از کار کردن را با دید و حسی قویتر آغاز کرده است که بسیار مثبت به نظر می‌رسد.

☀ نگاهی به نمایشگاه گروهی نقاشان

- نگارخانه افروند
۲۰ تا ۲۷ مهر
● سپیده خانبلوکی

نگارخانه افروند این بار آثار بیست و هشت تن از نقاشان را به نمایش گذاشته بود که هر کدام از نظر انتخاب موضوع، رنگ و نوع رنگ‌آمیزی و سبک کار بسیار متنوعند. در میان این مجموعه کار شش تن از نقاشان زن نیز ارائه شده بود. که عبارت بودند از:

- شیده تامی: تابلو وی نشاندهنده زنی است که تا حدودی شکل واقعی خود را در چهره و اندام از دست داده است. در این کار رنگها محدودند و نکته قابل توجهی در آن دیده نمی‌شود.

- شهلا حسینی: دو تابلوی طبیعت بیجان خود را با مدادرنگی کار کرده که از نظر نوع کارکرد، حس و رنگ‌آمیزی کارهای زیبایی هستند و هر دو نشان از تداوم احساس او دارند.

- نفیسه شهدادی: او یکی از تابلوهای قدیمی خود را انتخاب کرده است که نمایانگر دو ماهی است که رنگ قرمزشان در فضای سپید اطراف، صدای شدیدی ایجاد کرده است. وی همچون گذشته به بعضی از قسمتهای کار زیاد پرداخته و در مقابل، فضای پسزمینه را بسیار ساده کار کرده است.

- فریناز صدقی پور: که با نشان دادن دو مبل در فضای یک اتاق، کار ساده و زیبایی را به وجود آورده است. وی برای پسزمینه از آبرنگ استفاده کرده و سپس خطوطی رنگی را با مداد به آن اضافه نموده است. در این کار، همه رنگها سرد و با یکدیگر هماهنگند. (بهتر بود که این تابلو در قسمتی دیگر از نمایشگاه به دیوار آویخته می‌شد تا بیننده بتواند فاصله لازم را با کار داشته باشد و آن را بهتر ببیند.)

- شهرو مهران: وی قسمتی از یک ذکه را با آبرنگ کار کرده که عنوان «کلبه خوراک امید» در بالای آن به چشم می‌خورد. در این تابلو فضا بسیار سرد است و رنگها نیز سرد و خاکستری انتخاب شده‌اند.

- جمیله وفاکیش: خانم وفاکیش دو کار بسیار متفاوت با کار دیگران ارائه داده است. دو طرح با مرکب که یادآور نقاشیهای چینی هستند. وی با ضربات سریع قلم، همراه با رنگ‌آمیزی و احساسی خاص، کارهایی بسیار زیبا به وجود آورده است. حرکتی که در این دو کار به چشم می‌خورد، بسیار گیرا و جالب است.



سهیلا مهدوی، تابلوهایش را با مدادرنگی و آکرولیک ارائه کرده است. تابلوهای وی بنا به گفته خودش، ابتدا با حس آغاز شده‌اند و سپس مسائل مختلف مطرح در نقاشی به کارهایش راه یافته‌اند اما علیرغم اینکه او بسیار به احساسش متکی بوده، متأسفانه در انتقال این احساس زیاد موفق نبوده است. ظاهراً احساس نقاش و همچنین دید او دائماً در حال تغییر بوده و کلاً هیچگونه یکپارچگی و تداوم احساسی در این تابلوها مشاهده نمی‌شود و چنین به نظر می‌رسد که نقاشیها متعلق به دو نقاش هستند: یکی آن که با مدادرنگی کار کرده و دیگری آن که آکرولیک را انتخاب کرده است و به هیچوجه تشابهی از نظر حس، انتخاب رنگ و کمپوزیسیون بین این دو گروه کار و حتی بین کارهای یک گروه نیز به چشم نمی‌خورد.



قدرت زنان چیست؟ آنان چه رابطه‌ای با قدرت دارند؟ این گونه پرسشها درباره زنان عرب امروز، از آن رو مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد ایشان طرد شدن خویش را از قلمرو سیاست، با توسل به قدرت زایش جبران می‌کنند، قدرتی که سیاست را با «مشکل حل ناشدنی جمعیت» مواجه می‌سازد. آیا اخلاق زنان را ناگزیر از زایمانهای مکرر می‌کند؟ یا این خصیصه از ویژگیهای منحصر به جهان عرب است؟

فائزه بن حدید
ترجمه زهره بهجو

آیا زایش برای زن یک

نشانه انکار مجدد تاریخ است. به همین ترتیب رادیوها، تلویزیونها و مطبوعات سراسر جهان به شرح مفصل درباره پوشاک، آرایش صورت و موهای او به هنگام حضورش در مراسم ادای سوگند پرداختند. اما آیا هیچگاه شرح جزئیات جنس و رنگ کت و شلوار آقای شاذلی بن جدید یا مارک کراوات آقای میتران رییس جمهور فرانسه در چنین مراسمی داده شده است؟ سیاست، واژه‌ای چند معنایی است و برحسب مورد می‌تواند مذکر یا مؤنث مثبت یا منفی و یا حتی تحقیرآمیز باشد. چنانکه وقتی از «سیاست زنها» نام برده می‌شود، معمولاً معانی ضمنی آن، یعنی کنجکاو، پرحرفی، یک کلاغ چهل کلاغ کردن، شایعه‌سازی، غیبت و بدگویی و تفرقه افکنی مد نظر است. روایت است از ابوبکر که پیامبر ص می‌فرماید: «مردمی که عنان امور خود را به دست زنان بسپارند هرگز اعقاب خود را نخواهند شناخت.» یعنی نسل خود را گم خواهند کرد. در مورد این حدیث مشهور که اغلب مردان مسلمان با خرسندی بدان استناد می‌جویند، تحقیقی انجام داده است. او چنین

بود که می‌توان آن را در این جمله خلاصه کرد: «زنان بیچاره‌مان کردند، آنان قدرت را به دست گرفتند... با وجود این، هیچ ابایی از گرفتن دستمزدهای ما ندارند!» سیاهه شکایت مردان طولانی است و «قدرت گرفتن» زنان در تمامی زمینه‌ها، هر چند بیشتر شبح است تا واقعیت، سبب هراس شده است. در این مورد، جالب به نظر می‌رسد که بدانید مبارزات انتخاباتی بی‌نظیر بوتو و سپس پیروزی او در انتخابات عمومی، شرایطی را ایجاد کرد که هیچکس بدان توجهی نکرد؛ و آن پدید آمدن اتفاق نظربین رسانه‌های غربی یا رسانه‌های موسوم به مترقی و بنیادگراهای مسلمان از هرگوشه و کناری درباره وی بود: «او محصول ناب غرب (هاروارد، لندن،...) است.» سخنی که برای بعضی مایه مباهات بود و برای بعضی دیگر مایه سرافکنندگی، اما برای هر دو دسته در حکم انکار اصالت اسلامی او بود. «او اولین رییس دولت [زن] مسلمان است.» این نظر در مورد بعضی رسانه‌ها حاکی از ناآگاهی و در مورد برخی دیگر،

چرا در این زمینه از زنان مسلمانی که در دوره‌های مشخصی از تاریخ حکومت کرده‌اند یا قدرت را به دست گرفته‌اند سخنی به میان نمی‌آید؟ حکومتی که در تمام مناطق اسلامی تجربه شده است: در آسیا، در هندوستان که به روایت ابن بطوطه، رهبری آنجا را زنی به نام رادیا (Radhia) به عهده داشت، در قلمروهای اسلامی مغولان و ترکان، در اندونزی و حتی جزایر مالدیو (موفوک، ۱۹۸۹). همچون حکومت شجره‌الدور در قاهره... که به مناسبت آن، خلیفه عباسی به مصریان نوشت (در آن هنگام قاهره یکی از ولایات بغداد بود): «اگر در قاهره دیگر مردی وجود ندارد تا قدرت را به دست گیرد، می‌توانیم از اینجا یکی برایتان بفرستیم...» این مطلب ما را به یاد سیل نامه‌هایی می‌اندازد که روزنامه‌های الجزایری در دسامبر ۱۹۸۸ دریافت کرد و به چاپ رسانید. این نامه‌ها در پی نامه بانویی ارسال شدند که مشکلات شغلی شوهرش را که منجر به تضییع حقوق وی شده بود، طرح کرده بود. محتوای نامه‌ها فریاد خشم و نفرتی همگانی



● افتخار زادن، مادر شدن و شیر دادن و البته افزایش اولاد، سیمای الزامی و بارز زن الجزایری است این تنها مسئولیتی است که رسماً به او اعطا می‌شود و تنها مقام مهمی است که به او تعلق دارد.

● زنان از سیاست برکنار شده‌اند زیرا حتی اگر در اینجا یا آنجا در جلوی صحنه جای داده شوند - مثل نقش خدماتی سیاهپوستان در سریالهای پلیسی آمریکایی - باز هم هیچ قدرت واقعی ندارند.

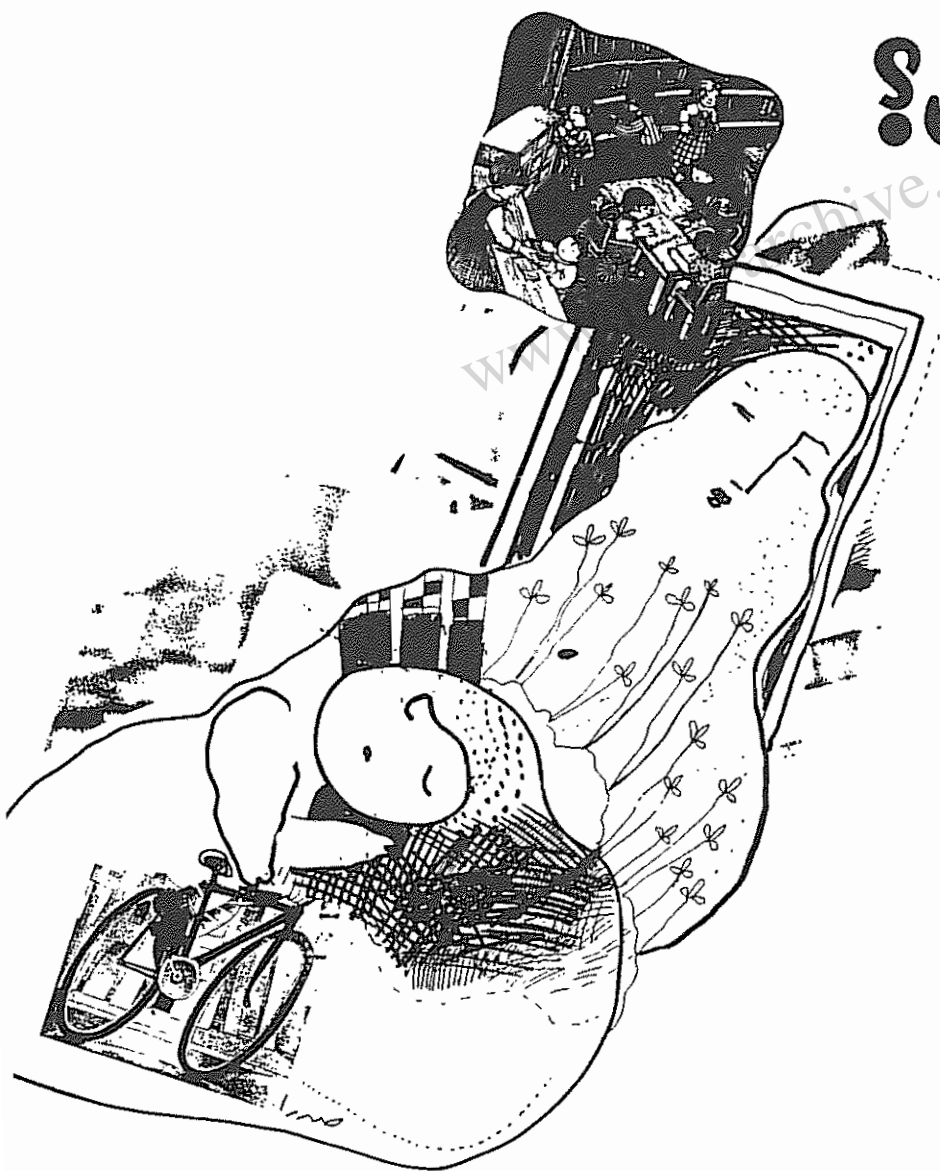
قدرت است؟

نتیجه‌گیری می‌کند که براساس احکام بسیار معتبر علمای اسلام، شهادت ابوبکر را باید رد کرد، زیرا مگر نه اینکه عمر بن خطاب آن را شهادتی باطل خوانده و محکوم کرده است؟ اما چه کسی از تأکید بر این حدیث سود می‌برد؟

فاطمه مرنیسی همچنین متذکر می‌شود که در هیچ جا اشاره‌ای به این حدیث نشده است جز در یکجا؛ و آن هم بسیار به جا؛ بیست و پنج سال بعد از فوت پیامبر، هنگام رویارویی سپاه عایشه، همسر پیامبر با علی در جنگ جمل.

نویسنده مزبور، درباره واقعه‌ای مربوط به یکی دیگر از همسران حضرت محمد به نام ام‌سلمه، از اشراف قریش، گزارش می‌دهد که او روزی از پیامبر پرسید: «چرا قرآن از ما چون مردان سخن نمی‌گوید؟» در پاسخ به وی آیه‌ای نازل می‌شود که مؤمنان را، اعم از زن و مرد، برابر می‌شمارد:

«[...] مردانی که به خداوند توکل کنند و نیز زنانی که چنین کنند، همانا آنانند که رحمت و بخشایش بیکران خداوند شامل حالشان خواهد شد.» (سوره طلاق، آیه ۴)



و چنانچه در آیه‌ای موضوع برتری مقام (درجه) بین زن و مرد مطرح شده است، معنایی الهی صرفاً در درجه ایمان مؤمنان و مؤمنات دارد.

در این خصوص، نظر محقق معاصر بودیبا (۱۹۸۶) مؤید آن است که در مقدس‌ترین متون نیز گهگاه جریان فمینیستی مشاهده می‌شود. حتی چنین روایت است که:

«در صدر اسلام، چندین زن فمینیست تندرو وجود داشتند که یکی از آنان جنگجویی قدیمی به نام نسیم بود. وی از پیامبر می‌پرسد که چرا در قرآن خطاب خداوند همواره به مردان است و هیچگاه زنان مخاطب او نیستند. این حدیث حاکی از آن است که خداوند برای این سؤال اعتبار قایل می‌شود و از آن پس، وحیها را

دیگر، یعنی دانایش نبود که فرصت را غنیمت شمرد و در مدت ۳۳ ماه داستان‌گویی، سرور خود را صاحب سه فرزند که همگی نیز پسر بودند، کرد؟ پسر اول تازه به راه افتاده بود؛ دومی روی زمین می‌خزید و سومی هنوز شیرخواره بود.» (بودیبا، ۱۹۸۶).

پسر زاییدن! زن سنتی عرب رؤیایی به جز این ندارد زیرا مادر بودن یعنی هويت (مادر...) و امنیت، و در مرحله بعدی یعنی پشتیبانی و جانشینی «قدرت». اما حقیقت امر چیست؟

چنانکه قبلاً گفته شد، زنان از سیاست برکنار شده‌اند زیرا حتی اگر در اینجا یا آنجا، در جلو صحنه جای داده شوند - تقریباً مثل نقش خدماتی سیاهپوستان در سریالهای پلیسی آمریکایی - باز هم هیچ قدرت واقعی

امتیازی خاص زنان است؟ مطالعه در مورد تمایل به بچه‌دار شدن (بن حدید)، به عنوان اصلی ضروری در سیاست فاصله‌گذاری بین تولدها، این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا این سیاست، سیاستی مبتنی بر قدرت (نیرو)، اختیار (حق) و اصولاً میل و علاقه شخصی زن نیست؟ مطالعه در خصوص دو گروه اجتماعی - فرهنگی (بن حدید، ۱۹۸۵) کاملاً متضاد و ضمناً آشتی‌ناپذیر - از جهان عرب و مسلمان (الجزایر) و جهان یهودی و مسیحی (فرانسه) - نشان داده است که بچه زاییدن یا نزیایدن، در درجه اول عملی اجتماعی و نیز سیاسی است.

سیاست جمعیتی هر چه که باشد - مبتنی بر محدودیت زایش (الجزایر) یا افزایش آن (فرانسه) - همواره از بین زوجین ذریع، به

● هنگام انتخاب شدن بی‌نظیر بوتو رسانه‌های جهان به شرح مفصل پوشاک و آرایش

او در مراسم ادای سوگند پرداختند اما هیچگاه شرح جنس و رنگ

و کت و شلوار شاذلی بن جدید یا مارک کراوات میتران در چنین مراسمی داده نشد.

زن به عنوان رکن اصلی معطوف می‌شود. آیا این مطلب به معنای آن است که زن، تنها دارنده این قدرت است؟ یا آنکه وی ابزاری بیش نیست؟

برای اینکه بدانیم قدرت یا قدرتهایی که زن گمان می‌کند صاحب آنهاست و دیگران هم بدان معتقدند، می‌تواند سبب «جنون مادری» (وینی کات) و تحمل ناملایمات شود؛ به چند جنبه از آن نظر می‌افکنیم:

◀ قدرت تحمل درد

تفاسیری که - چه در تصدیق و چه در تکذیب - رنج و درد ارائه می‌شوند، بسیار شبیه به یکدیگرند ولی برحسب خصوصیات فردی و بافت فرهنگی تفاوت‌های زیادی دارند مثلاً در تورات نفرینی آمده است: «تو با درد زایمان خواهی کرد». این کیفر از نظر قوم یهود، مکافات گناه آغازین و بیشتر برای آن است که ایشان شایستگی جبران آن را هم در این دنیا و هم در آن دنیا دارند.

در دین اسلام، گناهان زنی که به هنگام زایمان می‌میرد بخشیده می‌شود و مانند شهدا به بهشت می‌رود. از طرفی، رنج‌های مادر مسلمان او را محق می‌کند که موجب (یا مانع) ورود فرزندان به بهشت شود (بهشت

ندارند و خود را در جایگاهی می‌یابند که بیشتر براننده نقشی زنانه است، مانند امور اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و غیره. و در این معناست که به نظر ما شایسته آمدن این مسئله را از خلال قدرتی که همگان کم و بیش در زن باز می‌شناسند مورد بحث قرار دهیم: قدرت زایش، که در اینجا به مثابه قلمرویی ویژه تجلی می‌کند چرا که مستقیم یا غیرمستقیم به انواع دیگر قدرت مربوط می‌شود.

بنا به سنت و به طور معمول، این رییس است که قدرت و اختیار را به دست می‌گیرد. این مطلب نیز پذیرفته است که در ساختار خانواده، به عنوان کوچکترین جامعه سیاسی، این مرد، یعنی شوهر یا پدر است که نقش رییس را (اگرچه آن را تقسیم کند) از نظر قانونی و ظاهراً شرعی، اجتماعی و اقتصادی، با تفاوت‌هایی برحسب بافت فرهنگی خانواده به عهده دارد. زن و شوهر می‌توانند و بایستی برای مسائلی که پیش از هر چیز کلیت آنان را تشکیل می‌دهد اولویت قایل شوند، مثل کشش‌های غریزی و نیازهای بقا. این امر حدود رابطه، دخالت، همچنین تأثیر و در نتیجه اعمال قدرت را وسعت می‌بخشد. بنابراین آیا قدرت زایندگی حقیقتاً

خطاب به مردان و زنان مؤمن نازل می‌دارد (امل ازن)

به نظر می‌رسد که مسائل مربوط به رابطه زنان با سیاست، فقط خاص جهان عرب و مسلمان نیست بلکه امری مشترک در تمامی جوامع معاصر موسوم به جوامع متجدد است؛ البته با بعضی تفاوت‌های اغلب کلیشه‌ای در برنامه‌های فرهنگی یا ملی. در غیر این صورت، چرا مجله‌های پاری تیچ (Paris - Match) و آلرزی - اکتوالیته (Algerie - Actualite) هر دو همزمان پرونده زنان و قدرت سیاسی را گشودند؟

عنوان سرمقاله هفته نامه الجزایری «آیا شهرزاد سیاست به کار بست؟» (موفوک) به استاد کتاب «شهرزاد ماکشی نیست»، اثر مریسی بود.

آنچه ما از این شاهزاده خانم زیباروی باهوش، با فرهنگ و زیرک می‌دانیم این است که تنها ضامن جان او توانایی وی در زایل ساختن اندوه سرورش به برکت استعداد شگفتی بود که با قصه‌پردازی در طی هزار و یک شب از خود نشان داد. اما آیا این تنها قدرت وی بود؟ مسلماً خیر.

«و با همه این احوال، آیا شاهزاده خانم شهرزاد [...] موفقیت خود را مرهون چیزی



زیر پای مادران است.]

اغلب شنیده می‌شود که زنان - برای آنکه بگویند کاری فقط از عهده آنان ساخته بوده است - می‌گویند: «... مثل زایمان بود.» یا اینکه «... از زایمان سخت‌تر بود.» و هنگامی که یکی از نزدیکانشان از دردی شکوه می‌کند، اگر فرزندشان باشد به او می‌گویند: «به دنیا آوردن تو بسیار دردناک‌تر بود.» و اگر شوهرشان باشد: «پیداست که تو زایمان نکرده‌ای.» و بدین نحو گره از مشکلات می‌گشایند.

▶ قدرت مالکیت

شیر دادن به فرزند، علاوه بر همه محاسن بارزی که دارد؛ از جمله تأثیر مثبت آن در رابطه مادر و فرزند و سلامت نوزاد، برای مادر به مثابه یک قدرت، آن هم قدرتی محسوس و ملموس است. چرا که موجب پیوندهای رضاعی (پیوندهای عاطفی از راه شیر) و در نتیجه پیوند مادر به فرزندش می‌شود: «من به تو شیر داده‌ام و می‌خواهم در کنار تو پیر شوم.» (آشیل).

مادری الجزایری، در حالی که به طفل خود شیر می‌دهد، به ما می‌گوید: «من شیر دادن را دوست دارم، از این گذشته، برای او هم خوب است که بعدها بداند من به او شیر داده‌ام.» که به عقیده ما در واقع «این کار بیشتر برای خود وی خوب است.»

از نظر مادر فرانسوی: «تاخیر هر چه بیشتر در گسستن رشته‌ای که سبب پیوند می‌شود، حفظ تماس، تداوم و تحکیم رابطه؛ سبب می‌شود که ما احساس کنیم طفل به ما وابسته است... این کار رشته پیوند را، حتی در آینده، مستحکم می‌دارد.»

▶ قدرت آفرینش

در هنگام تولد فرزند هرگونه ابراز احساسات مادر، شادمانی، هیجان، خوشبختی زیاده از حد و بسیاری احساسات دیگر، همه ناشی از اضطرابی است که هر زن بارداری - حتی زنی که چند بار زایمان کرده است - بدان دچار می‌شود و از خود می‌پرسد که آیا می‌تواند این راه را تا به آخر طی کند و «بچه‌ای بیاورد». قدرت آفرینش، زن را به خداوند، به طبیعت، یا دست کم به زنان دیگر نزدیک می‌سازد و از این روست که فقط تولدی «موفقیت‌آمیز» پذیرفتنی است. به عبارت دیگر، زایمان معجزه دوباره آفرینش است. در بین هر دو گروه زنان

الجزایری و فرانسوی، بیشتر مادرانی که نوزادشان را با شیر خود تغذیه می‌کنند، احساساتی مشابه را ابراز می‌دارند: «ابتدا بسیار هیجان‌انگیز بود که نوزادی به این زیبایی را به دنیا آورده باشم، شگفت‌انگیز بود.» یکی از این مادران، او را «موجود فوق زمینی» می‌خواند.

▶ قدرت اخته کردن:

عقدۀ اختگی به واسطهٔ عاملی روانی و ناخود آگاه منبعت از خطر اختگی ناشی از ادراک تفاوت جنس، نظریهٔ کشش جنسی نسبت به مادر، نظریهٔ شهوت رابطهٔ جنسی، و ترس از پدر سبب می‌شود که شهوت زنی با محارم و جنون پدر و مادرکشی، از یک سو و دغدغهٔ حفظ سلامت جسمانی و تناسلی از سوی دیگر، در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. از این مرحله به بعد، خود شیفتگی نقش عمده و اصلی را بازی می‌کند؛ زیرا به عنوان غریزه‌ای حفاظتی، تمامی این غلیمانها را به خصوص در پسران فرو می‌نشانند. «و این بدبختی بزرگی است که تمامی زندگی آیندهٔ مرد را تهدید می‌کند... او از آن بیم دارد که همهٔ موجوداتی که «فاقد آن» اند [یعنی همهٔ زنها و نیز مادرش] آن را از او که «دارندهٔ آن» است بگیرند... بدینسان، ترس از اختگی در مرد پای می‌گیرد و او را به دفاع از خود، در درجهٔ اول در برابر زن و آنگاه در برابر زنانگی وادار می‌سازد.» (الیویه، ۱۹۸۲).

این امر در محیط فرهنگی الجزایر موضوعی بسیار آشکار، ولی در بین فرانسویان بسیار پنهان است. پیامدهای عینی آن اگرچه به ظاهر کاملاً مغایر یکدیگرند؛ ولی به عقیدهٔ ما در اصل به یک مکانیسم مربوط می‌شوند.

در گروه اول (الجزایریها):

- «مردانه» شدن مفرط جامعه

- تفکیک و حتی تبعیض جنسی

- ایجاد و حفظ قلمروهای اختصاصی و تابوهای علیده، که بارزترین آنها تابوی اهمیت بیش از حد اثبات باکره بودن به دیگران و آداب مخصوص آن در روز ازدواج، همانند اهمیت حاملگی و زایمانهای متعدد، به ویژه به مجموعه نمادهای اخلاقی و قومی این مردم باز می‌گردد. همچنان که در مورد ختنه نیز چنین است.

در گروه دوم (فرانسویها):

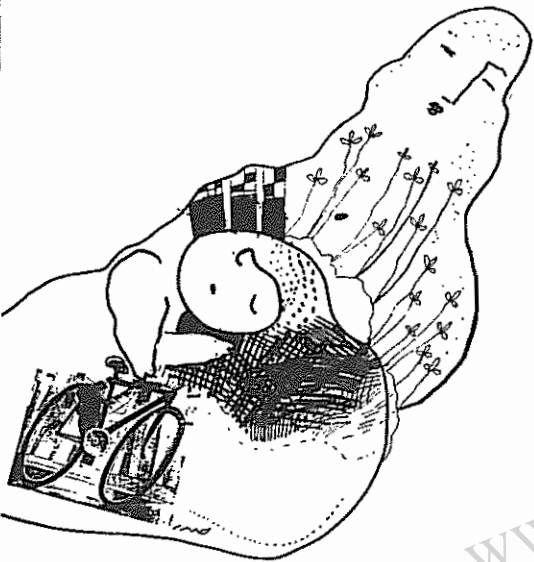
- جامعهٔ غیرجنسی

- ایجاد و پذیرش قلمروهای جداگانه و حتی مشابه

- وجود تنها یک تابو، تابوی تفاوت جنسی

دلایل بسیار زیادی از این دست سبب شده است که این گروهها را عموماً «سنتی» و «متجدد» یا «ارتجاعی» و «مترقی» بخوانند. ولی به نظر ما دلیل یا محتوای روان شناختی، خود نیز، منبعت از همان سوءظن، یعنی دغدغهٔ اختگی و عملکردهای دفاعی مختلف آن برحسب شرایط است.

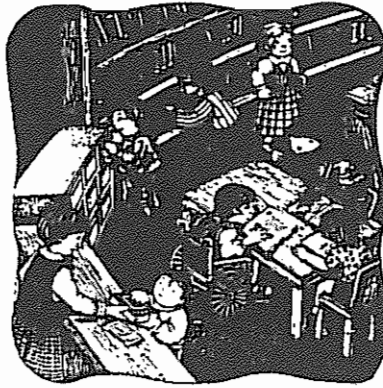
با چنین ادراکی، نیاز به دفاع مبدل می‌شود به نیاز به تسلط - (دیالکتیک قدرت و



ضد قدرت) - که اغلب به شکل مخالفت کامل یا نسبی با جلوگیری از بارداری همسر بروز می‌یابد و نیز در مورد هر یک از دو گروه الجزایری و فرانسوی شیوه‌ای متفاوت و مخصوص به خود دارد.

بدین ترتیب، این مخالفتها هر ماهیتی که داشته باشند، اخلاقی (گناه است)، پزشکی (برای سلامتی زنان دارد)، زیبایی‌شناسی (اندام زن را تغییر می‌دهد)، زیست‌شناسی (خلاف طبیعت است)، یا فردی (مرد ترجیح می‌دهد که خود تصمیم گیرنده باشد) از این حقیقت ناشی می‌شوند که مرد نمی‌تواند بپذیرد که زن نیز به سهم خود مشکلاتی دارد. «مردی که نتواند نشانی از عشق در وجود خود داشته باشد، چنین میلی را در زن نیز خلاف می‌داند، مگر آنکه این میل در او تبدیل شود به تمایل به بچه‌دار شدن؛ در وجود بچه، او (مرد) دست کم نشانی از خود خواهد دید...» (الیویه، ۱۹۸۲).

تأثیر جادویی زن در مردانگی (رجلیت) مرد منبعت از تسلط او در امر باروری؛ یعنی



سخنی واقعیت‌ر «مادامی که هستم، احتمالاً می‌توانم...».

تغییراتی که طی دو دهه پیش در فرانسه روی داد، تحولاتی مشابه را به دنبال داشت. این تغییرات، از یک سو منجر به بی‌اعتباری بعضی اصولی شد که از شدت و رواج افتاده بودند مثل احترام به والدین (بزرگترها) و تشکیل خانواده؛ و از سوی دیگر سبب افزایش و اعتبار بعضی اصول دیگر گردید، مانند آزادیهای شخصی، رعایت منافع زن و شوهر در حکم افرادی مستقل و برخوردار از حقوق برابر در امر ازدواج.

بسیاری از قوانین مصوب سالهای ۶۰ - ۷۰ به منظور «اصلاح اصول اخلاقی... در جهت پیشگیری از اشتباه و تحجر در آداب و قوانین به مجلس پیشنهاد شده بودند.» (سولرو، ۱۹۸۴)

بنابراین، تصویب قوانین مزبور، نه فقط در جهت رفع کمبودهای نظام اخلاقی، بلکه بیشتر به سبب تحلیل محتوایی آنها برای ساختن اخلاقیاتی متناسب با جامعه بوده است، اخلاقیاتی که رعایت آن، چه برای افراد و چه برای گروههای خانوادگی مخصوصاً در رابطه فرزند و والدین در قبل و بعد از ازدواج آنها، چندان ساده نیست. آیا رفتارهایی مثل نارضایتی، مردد بودن و گاه اظهار نگرانی و تشویش در زنان را، هر چند در چارچوب مشروع خانواده و ازدواج بروز یابد نباید در این مقوله گنجانید؟

همین مسئله ما را بر آن می‌دارد تا بگویم عدم تمایل به بچه‌دار شدن نیز عملی نه تنها اقتصادی بلکه اجتماعی - سیاسی است؛ که در این صورت، نفی بچه به طور ضمنی در این جمله اعجاب انگیز تبلور می‌یابد: «من نمی‌زایم، پس هستم»؛ در غیر این صورت برای پاسخی که یکی از زنان فرانسوی در خصوص تعداد بچه دلخواهش ابراز می‌کند: «می‌دانم که زندگی به عوض بهتر شدن، تباه خواهد شد.» چه توجیهی وجود دارد؟

آنچه در مجموع از این سخنان دریافت می‌شود، این است که نفس تمایل هر چه که باشد - اولاد کمتر یا بیشتر - تأثیری در تحقق آن ندارد، اگر چه منطبق با «خواست» سیاست حاکم بر جامعه باشد؛ چرا که کاهش یا افزایش اولاد به هیچ رو مبین افزایش یا کاهش تمایل زنان به بچه‌دار شدن نیست، بلکه نوعی دفاع در برابر قدرت انحصاری است که زنان را هیچ گونه حقی در آن نیست.

دانشگاه الجزیره

عروس بودنش) و همهٔ مخاصمات ناشی از روند پیچیدهٔ حوادث آن ایام در خاطر او حک کرده‌اند.

اگر در بین زنان همبستگی مشاهده شود، این همبستگی فقط به صورت افقی و هم سطح (در زنانی که از نظر سنی یا جایگاه اجتماعی... در یک گروه‌اند) و در مخاطرهٔ دسایس سیاسی، حتی در محیط خانگی، است. البته در مواردی نیز شکل عمودی دارد و اگر پدرها برای دخترها حکم صادر می‌کنند و آنها را وادار می‌سازند که به فرمان آنها گردن نهند، این توفیق را به مدد مادرها به دست می‌آورند. اما در حکومت یوکاسته، لایوس هیچ قدرتی ندارند.

برای زن الجزایری «زادن، مادر شدن و شیر دادن نخستین و اصلترین وظیفه‌ای است که بدان افتخار می‌کند» (بوسبسی، ۱۹۷۹) و صد البته افزایش اولاد. این است سیمای الزامی و بارز زن الجزایری و کرسی قدرتی که او، با هر موقعیت اجتماعی - فرهنگی یا فکری، بر آن می‌نشیند. این تنها مسئولیتی است که رسماً بدو اعطا می‌شود و تنها مقام مهمی است که بدو تعلق دارد؛ باقی به جز انتظار و نقشهایی ناچیز بیش نیست...

و در چنین چشم‌اندازی است که میل فردی به بچه داشتن، پیش از هر چیز، عملی اجتماعی و تعهدی سیاسی می‌شود که زن را به رغم تعلق گروهی تأیید می‌کند و ایمن می‌دارد.

به دلیل خانگی بودن نقشهایی که برای زن تعیین و بدو واگذار شده است، وی این نقشها را با نوعی وارد آوردن فشار اسموزی، یعنی با محکم چسبیدن به آنها انجام می‌دهد. چنانکه در پاسخ به سؤال: «آیا همهٔ بچه‌هایتان را به خواست خودتان آوردید؟» می‌گوید: «بله... مسلم است، من برای بچه آوردن ساخته شده‌ام... می‌خواستید چکار کنم؟... کار من این است...» و از خود می‌پرسد: «اگر بچه کمتری بیاورم چه بر سر من خواهد آمد؟...» این طرز فکر، در اصل از منطق دکارت نشأت می‌گیرد؛ «من می‌زایم، پس هستم» یا به

مسئله‌ای است که مرد آن را در حکم خطری جدی برای سلامت جسمانی خود به شمار می‌آورد. در این زمینه، نکتهٔ جالب توجه این است که در دو موردی که بررسی شد، میانگین تعداد بچهٔ دلخواه، بنا به اظهار رقمی زن و شوهرها، در بین پدرها بیشتر از مادران مورد بحث است.

در گروه سنتی، جایگاههای آشکارا متفاوت مرد و زن بنیادهای جامعه را تشکیل می‌دهند و نقشهای آنهاست که نظام انتظار را به وجود می‌آورد. نظامی که ساختار رفتاری همهٔ اعضای گروه را سبب می‌شود. براین اساس: «جنسیت، سن و تبار از شروط جایگاه اجتماعیند. ساختار گروهی، پیش از هر چیز مبتنی بر مطابقت آفرینش بیولوژیکی با تبار فامیلی است... بدین معنا که انسان، اگرچه به سن رشد رسیده باشد باز هم در قیومت باقی می‌ماند.» (بوسبسی، ۱۹۷۸)

آنچه در اینجا به عنوان اصل مسلم مطرح می‌شود، در مورد مردان نسبت به مردان دیگر و کل زنان، و نیز در مورد زنان نسبت به زنان دیگر، در شبکهٔ روابطی کاملاً تعیین شده و سلسله مراتبی اعتبار و مصداق دارد:

- پدر، برادر، شوهر، پسر؛

- دختر، همسر، مادر، مادرشوهر.

البته کسب مقام مادر شوهری منوط است به داشتن فرزند پسر؛ زیرا دختر از بدو تولد کاملاً به پدرش تعلق ندارد. چرا که او به دنیا می‌آید تا، طبق ضرب‌المثلی عامیانه «مال مردم باشد» و بعداً نیز همسری تام شوهرش را - به دلیل نازایی و تعدد زوجات - کسب نخواهد کرد.

«این وضعیت تا زمانی که زن در جایگاه مادر شوهر قرار بگیرد و دیگران او را به عنوان فردی در کمال رشد به رسمیت شناسند ادامه می‌یابد.» (بوسبسی، ۱۹۷۸)، که جلوس به این مقام هم با انجام دادن سفرهای زیارتی مهم (در بعضی جوامع عرب) صورت می‌گیرد. بدین سان، هر چند وی هیچ جایگاهی در بطن حکومت نداشته است، اما سرانجام در قلمرو خاص خود با کمال اقتدار حق حیات و مرگ را پیدا می‌کند.

مقام مادر شوهری این اجازه را به زن می‌دهد که گاه از نقش بزرگسالها درآید و تحت تأثیر آثاری قرار بگیرد که تجارب دوران کودکی و جوانی (هنگام دختر بودن یا

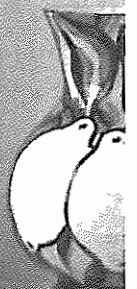
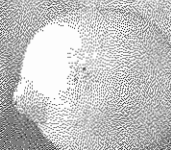
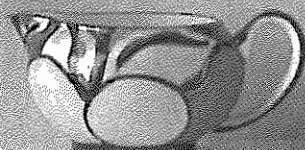
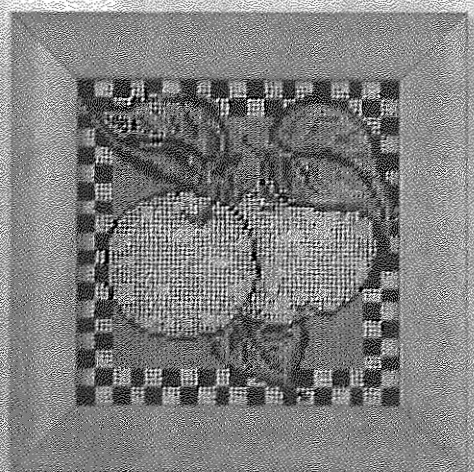
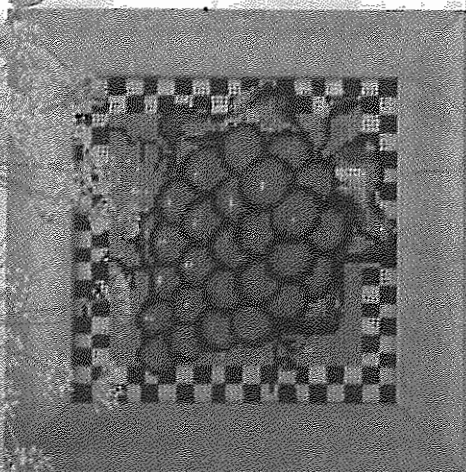
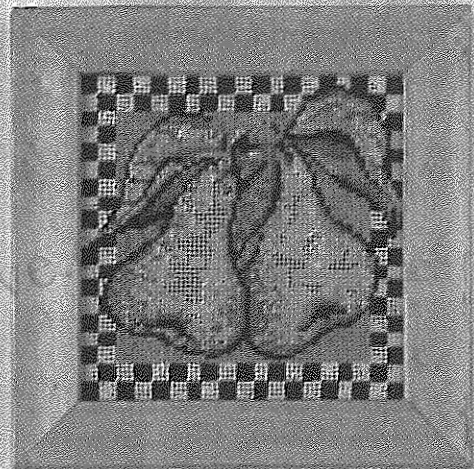
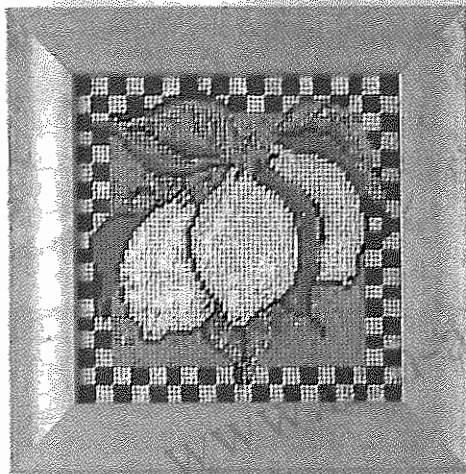


میوه در

بهناز صفایی

قاب

این مجموعه تصویرهای میوه، نمونه‌های کاملی از کار شماره‌دوزی است؛ طرح‌های زیبایی که دوخت بسیار ساده‌ای دارند. دست به کار دوختن آنها شوید؛ آنگاه آنها را در قاب مناسبی قرار دهید و محل مناسبی از دیوار منزل را با آنها بیاراید.



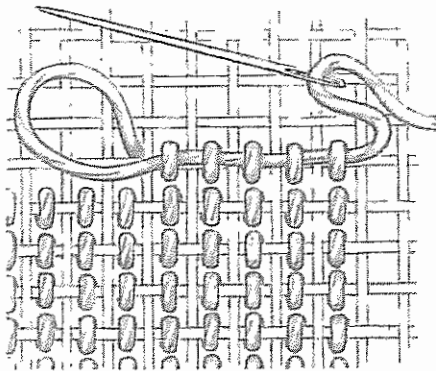
کنید تا به محل گره نخ برسید. آنگاه گره را باز کنید و به کوک زدن ادامه دهید. (تصویر دو)

وسط هر چهار ضلع پارچه را بیابید و علامت بگذارید. سپس با خط کش نقاط را به هم وصل کنید. نقطه‌ای که محل تقاطع دو خط در وسط پارچه است محل شروع کار شماره‌دوزی است. (تصویر یک)

● مواد مورد نیاز
پارچه شماره‌دوزی
نخ شماره‌دوزی یا نخ کاموا
سوزن مناسب

۳ - گره زدن نخ سوزن

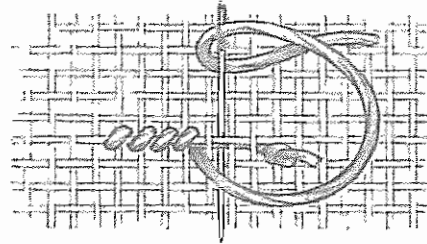
در قسمت پشت کار، سوزن را میان چند کوک وارد کنید و انتهای آن را گره بزنید. (تصویر سه)



تصویر سه

۲ - دوخت پارچه شماره‌دوزی

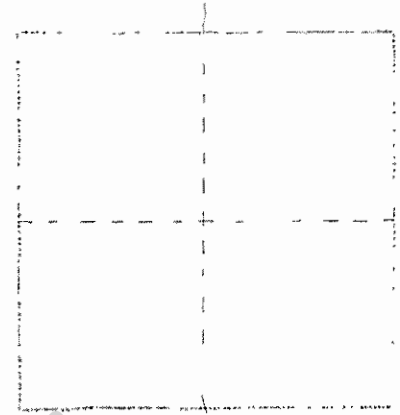
از وسط پارچه، دوخت را شروع کنید و کوکها را طبق تصویر دو بزنید. برای شروع نخ‌ی به طول ۴۵ سانتیمتر ببرید، آن را از سوزن رد کنید و انتهای یک سر آن را گره بزنید. سوزن را داخل پارچه فرو کنید و از پشت پارچه درآورید. سپس از دو سانتیمتری آن نقطه، کوک زدن را شروع



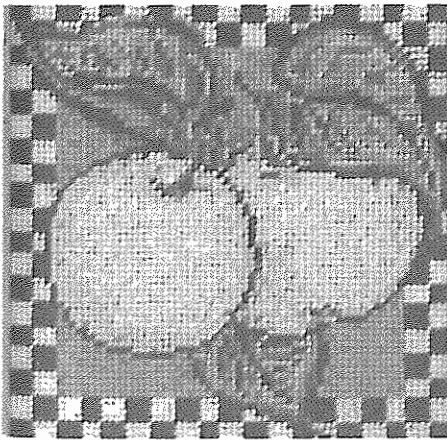
تصویر دو

۱ - پارچه شماره‌دوزی

ابعاد پارچه باید ۵۰ × ۵۰ سانتیمتر باشد. پارچه را به چهار مربع ۲۵ × ۲۵ سانتیمتری تقسیم کنید. در مربعهای جدید



تصویر یک



● طرح پرتقال

- سفید □
- سیاه ●
- سبز پررنگ X
- سبز کاهویی -
- سبز سدری ○
- بنفش V
- بنفش پررنگ >
- بنفش کمرنگ /
- پرتقالی کمرنگ C
- زردآلوی \
- پرتقالی P
- پرتقالی پررنگ #

